

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد وآل محمد

سوره مبارکه سجده (جله چهارم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۲۳/۰۸/۹۷

سوره مبارکه سجده و برخی از آیات آن مطالعه شد. سوالی مطرح می کنیم که با آن مطالب را پیگیری کنیم. سجده یعنی چه و به چه کاری سجده می گویند؟ نسبت سجده با سایر ارکان نماز مثل رکوع و قیام چیست؟ چه تمایزی با این ها دارد؟ در مورد این سؤال، هم زمان با شنیدن آیات فکر کنید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الم (۱) تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳) اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴) يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۵) ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶) الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸) ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۹) وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (۱۰) قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱) وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۱۲) وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳) فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵)

می‌توان معنی سجده را از همین آیه به دست آورد. سجده را واکنش نسبت به کاری می‌داند. درک عظمتی که برای فرد رخ می‌دهد و خود را در برابر آن خوار می‌بیند. مطالبی که در بالا گفته شد، می‌تواند مصادیق همان چیزهایی باشند که مشاهده می‌شود. آیات قبل از این آیه، می‌تواند آیاتی باشد که متذکر می‌شود.

طبق این آیه، سجده اوج فهم عظمت است که به طور طبیعی به اوج تسلیم منجر می‌شود. سجده در ذات خودش فهمی است، ادراکی است که به واسطه فهم عظمت در ذات خودش اتفاق می‌افتد. اما هیچ چیزی غیر آن، در درون فرد نیست! با آن دیگر عظمت دیگری را نمی‌بیند! اوج یعنی کنار او هیچ چیز دیده نمی‌شود و به همین دلیل است که به خاک می‌افتد. وقتی به خاک می‌افتد یعنی در برابر هیچ چیز، غیر او به خاک نمی‌افتد. در واقع می‌شود، مفهوم عملیاتی «لا اله الا الله». به فهم عظمت «لا اله الا الله» به نحوی که فرد در ذهن و خیال و عمل و فعل، هیچ تصویری و هیچ تصویری و هیچ شبه فهمی از غیر خدا نداشته باشد، «سجده» می‌گویند.

اگر این حرف را قبول داشته باشید، چه زمان‌هایی ما سجده کرده‌ایم؟ سجده‌ای که در آن اوج عظمت را فهمیده‌اید. انسان نوعاً در هنگام شکر، سجده می‌کند، چرا که نعمت می‌بیند. مثلاً خدا بچه سالمی را داده است که به فرض بنا بوده نقصی داشته باشد یا زمانی که فردی که بنا بوده پ در اثر بیماری از دنیا برود، زنده می‌ماند. در اینجا ما سجده می‌کنیم. چیزی را دیده‌ایم که درباره آن امید نداشتیم و بعد در برابر نعمت داده شده، به سجده می‌افتیم. اگر معنای سجده را بفهمیم، سعی می‌کنیم خود را به آن حقیقت نزدیک کنیم.

در قرآن، «سجده کردن» نیست، بلکه به «سجده افتادن» است. تنها کاری که انسان می‌تواند در مشاهده عظمت انجام دهد، به سجده افتادن است. در واقع ماهیت سجده، فهم عظمت است که در اثر فهم آن عظمت، یک سری نتایج به دنبال دارد که تسلیم شدن و ندیدن خود است.

یک مدل سجده را دیدید. خدا انتظارش این است که انسان در مواجهه با آیات به سجده بیفتد. نه اینکه صوری به سجده بیفتد، بلکه در مواجهه با آیات به سجده بیفتد. نشانه آیه دیدن سجده کردن است. اگر کسی سجده ندارد، نشانه این است که عظمتی نمی‌بیند تا بخواهد سجده کند! حالا اینکه چرا آیه نمی‌بینیم جای تامل دارد..

خود قرآن، آیه است و از مصادیق آیات است. فهم این آیات، انسان را به سجده می‌اندازد. سجده، همین سجده است و حتماً دارای نمود بیرونی است. خداوند کتابی را در اختیار انسان قرار داده است که سزاوار است انسان در برابر تک تک آیاتش «خَرُّوا سُجَّدًا» باشد.

وقتی انسان در زندگی خلاء مشاهده عظمت دارد، به دنبال تفریحات و دل خوشی‌ها می‌رود. وقتی در زندگی سجده نیست، خلاء ایجاد می‌شود. فهم عظمت خودش اشتهای نفسانی و لذت حقیقی دارد و اگر آن نباشد جای خود را به فهم عظمت‌های کاذب می‌دهد. کسی که احساس عظمت می‌کند، خیلی از این حفره‌ها را ندارد.

از مسیر اذکاری که برای اهل بیت (علیهم السلام) آمده است می‌توانیم انواع سجده را شناسایی کنیم. در کتاب «تدبر در دعا» مجموعه ادعیه مربوط به سجده را استخراج کرده‌ایم که مجموعه جالبی است.

سجده در ازای امر است. وقتی به موجودی امر می‌شود و آن موجود هیچگونه منیتی در او نباشد و امر را مطابق با آن چیزی که امر می‌گوید تبعیت کند، به آن «سجده» می‌گویند. «سجده» عمل به امر و نهی است، در همان زمان و کیفیتی که امر دستور داده است که این به موجودات مربوط می‌شود. انسانی که به او امر شده است، وقتی آیه را می‌بیند گویی امر شده است که: «آیه را ببین!» یعنی امرش، رویت آیه است و آنگاه «سجده کن». یعنی این سجده-هایی که به واسطه رویت عظمت است به دلیل وجود امری در آیات است. در هر آیه‌ای که خدا نازل کرده کرده است، امر «این آیه را ببین یا این آیه را ذکر کن» نهفته است. امر رویت، به نحوی که هیچ چیز غیر خدا را نبیند شعور صد در صدی می‌خواهد. و الا انسان می‌تواند بدون فوت زمان و هیچ کم و کاستی کاری را انجام دهد. امرهایی که در حیظه علم می‌آید، فقط به ذوالعقول می‌رسد. دلیل خلق انسان بروز چنین سجده‌ای در عالم است. سجده‌ای که اگر آیه را به او نشان بدهی، خودش از آن امر استنتاج کند و به صورت خودکار آن را تبدیل به سجده کند. فرآیندی است که فقط در ساختار انسان رخ می‌دهد و تمایز او با سایر موجودات است. از تمایزات انسان نسبت به موجودات، نوع سجده اوست.

به همین دلیل ذکرهای سجده خیلی متنوع است و جذابیت دارد. با دید علمی که بخوانید متوجه می‌شوید کسی که آن ذکر را خوانده است، تابع چه رویت و عظمتی بوده است! انواعی از عظمت برایش پیدا می‌شود. حتی می‌شود سجده چهارده معصوم (علیهم السلام) را در چهارده شکل به تمایز دید. رویت علوی، رویت فاطمی و...

تکوین هر انسانی در حال سجده است. نزدیک‌ترین کلمه به واژه امر، کلمه سجده است. با اینکه به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین کلمه باید «اعبدوا» باشد اما «سجده» است. در سجده به کیفیت امر و تفصیلی بودن آن نیز اشاره می‌کند. در «اعبدوا» فقط به اینکه عبد باش و رام باش اشاره دارد اما در سجده به انتهایی‌ترین قسمت هم اشاره می‌کند.

شیطان به خاطر استکبارش سجده نکرد. اولین آفت و مانع سجده، کبر و استکبار است. واژه مقابل سجده، استکبار و کبر است.

بین آیات تمایز وجود دارد و این تمایز را خود آیات سجده بیان می‌کنند. برخی آیات تمایزشان برای سجده بیشتر است.

خداوند تادیب بندگان را روی آیاتی که عظمت واضح تری دارند، می‌برد. نظام تربیتی دارد. از اول نمی‌گوید همه آیات را سجده کنید! قرآن چهار آیه سجده دار واجب دارد. همین‌ها را بخوان و سجده کن و سعی کن همین‌ها را بزرگ بینی! بدی داستان این است که چون این آیات سجده‌دار هستند، متأسفانه کمتر خوانده می‌شوند! در حالیکه اینها محل آموزش سجده است برای «خروا سجدا» شدن.

اگر کسی این سوره‌ها را، بالاخص مضامینی که ذکر شده است و اینکه چه گفته می‌شود و آیات قبلش در مورد چه چیزی بوده، این‌ها را تمرین کند، روح تواضع در او فعال می‌شود و با مردم متواضع می‌شود، چون از حالت تکبر خارج می‌شود. اگر کسی خواست اهل سجده باشد یعنی همانطور که خدا می‌خواهد! اگر نمی‌داند آیات چیست از این طرف عمل کند یعنی با مردم تواضع کند و روح تکبر را در خود بخشکاند. انسان تکبر را با پوست و گوشتش می‌فهمد! خدا را شکر که می‌توان اصلاح در رفتار کرد.

ادامه آیات را بخوانیم تا حلقه مفقوده سجده برای مان مشخص شود.

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۱۶)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)

چه چیزی نور چشم شماست. کجا نور چشم دیده‌اید؟ نور چشم یعنی وقتی او را می‌بینید چشم‌تان سو می‌گیرد و می‌بیند. کسی در خواب و چرت باشد، وقتی کسی را که دوست دارد ببیند، خواب از سرش می‌پرد! کدام عمل برای شما «قره عین» است؟ اربعین، زیارت، حرم‌ها ... این‌ها خیلی خوب است و نور چشم هستند. دست روی کلمه‌ای می‌گذارد که آن کلمه محل تجلی آیات است. همان جایی که اتفاق شیرینی می‌افتد و نور چشمش به دیدن زیاد می‌شود. زیارت می‌رویم که چشم‌مان سو بگیرد و گرنه می‌دانیم که حضرات همه جا هستند. این آیه، این نشانه را می‌دهد که برای اهل سجده شدن به سراغ «قره العین» برود. چگونه و با چه نعمتی و با چه کسی چشمش قوی می‌-

شود. آیه عجیبی است. می‌توان این را در دعاها آورد که خدایا، همسری، فرزندی و ... را به عنوان قره العیون به من بده.

ظاهراً این قره العیون‌ها مخفی هستند و باید به طریقی استخراج‌شان کرد.

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸)

خدایا ایمانی بده، همانگونه که خودت می‌خواهی.

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۰)

ما که واقعا ماهیت بهشت و جهنم را نفهمیده‌ایم اما می‌توان به طور واضح از آیات فهمید که اگر کسی در چرخه بدی‌ها قرار گرفت تا زمانی که در دنیاست می‌تواند از آن خارج شود. خصوصیت دنیا این است که می‌تواند انسان را از چرخه بدی‌ها خارج کند. امتیاز دنیا به آخرت همین مورد است. کسی که حسد و بخل و کینه دارد، می‌تواند در دنیا این چرخه را بشکند اما اگر از این دنیا رفت، دیگر این چرخه شکسته نمی‌شود.

اگر از من بپرسند ترسناک‌ترین مطلب در حوزه عذاب خدا چیست، می‌گویم این است که کسی امکان خروج از آن را ندارد. کسی که حسد دارد، این حسد مضمحل نمی‌شود، حتی در خود بهشت! خود صفت، ایجاد چرخه می‌کند. کینه، حرص، غضب و .. این‌ها به عنوان صفت آتشی هستند.

وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۱)

به هر حال همه ما به نوعی گرفتار عذاب شده‌ایم. این‌ها به این دلیل بوده است که انسان رجوع کند. اگر کسی تب کرد، باید ببیند چه صفات بدی در او وجود دارد. گفته‌اند در بیماری‌ها و مشکلات فرد به خود مراجعه کند و ببیند چه مشکلاتی دارد و برای اصلاح خود، از آن استفاده کند. «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» برای این دنیاست. بسیاری از سوره‌ها به این مطلب اذعان دارد که ما به انسان‌ها عذاب را می‌چشانیم تا او متنبه شود. چشاندن عذاب جزئی از آیات است.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (۲۲)

چون خدا می‌داند ما حواسمان پرت می‌شود، هرچند آیه‌ای که جلو می‌رود، دلالتی به آیه اولی می‌دهد. این‌ها همگی یک حرف است اما در جلوه‌های مختلف.

«ظلم می‌آورد» یعنی کسی که چنین می‌کند، ظلم می‌کند و ظلمش معادل ندارد. از ذکر نیز اعراض دارد. در انتها می‌گوید «مجرمین» یعنی داستان نه آن ظلم است و نه آن اعراض، بلکه این‌ها از اصل مجرم بوده‌اند. هر کسی ارتکاب جرم داشته باشد مثل غیبت و تهمت و ... «جرم» یعنی آن کاری که استحقاق عذاب را داشته باشد و خدا بخواهد برای آن عذابی قرار دهد. هرکسی جرم انجام دهد، لاجرم وقتی آیات ذکر می‌شود اعراض می‌کند و به واسطه اعراضش، دچار ظلم بالاتری می‌شود. این ترجمه آیه است.

این آیه جای سجده دارد. هرکسی جرم انجام بدهد حتما خدا انتقام می‌گیرد و زمان ندارد. هر آن باید منتظر انتقام باشد. این سجده دارد یعنی در انجام گناهی که خدا آن را جرم می‌داند، بلاشک انتقام گرفته می‌شود.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۳)

داستان حضرت موسی (علیه السلام) در این سوره با زاویه دیگری مطرح شده است. داستان حضرت موسی (علیه السلام) و قوم‌شان مرتب در قرآن تکرار شده است و ما تصورمان این است که قوم یهود (که البته بعد از تحریف این اسم را گذاشته‌اند و درستش این است که بگوییم کسانی که به دین حضرت موسی (علیه السلام) بوده‌اند) آدم‌های سطح پایینی بوده‌اند، در حالی که در چند جای قرآن اشاره می‌کند که بین تابعین حضرت موسی (علیه السلام) یک‌سری افراد خیلی ویژه‌ای بوده‌اند. یکی از آنها اینجاست که می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ» یعنی این‌ها آنقدر عظمت پیدا کرده‌اند که به صورت گروهی به کوه طور رفته‌اند و تجلی رویت خدا را می‌خواسته‌اند! این موضوع در تاریخ قبل و بعد از آنها سابقه نداشته است. ما باید در قلب‌مان رویت آدم‌هایی که طرفدار واقعی حضرت موسی (علیه السلام) بوده‌اند را آروز کنیم و با آنها رفاقت کنیم. سطح معرفت‌شان خیلی بالا بوده است، نباید این موضوع را کتمان کرد. دانستن همین موضوع خیلی مهم است. در طول تاریخ بشریت در دوره‌ای که حضرت موسی (علیه السلام) بوده است، سطح معارف یک‌مرتبه خیلی بالا می‌رود. این را کتمان نکنیم. این آیه است و به درد می‌خورد. همین که بدانید در عالم تعدادی افراد اینگونه ممکن است وجود داشته باشد، آن را انکار نکنید و انتظارشان را بکشید. در عالم چنین پتانسیل‌هایی وجود داشته و خواهد داشت. این در ما ایجاد انتظار می‌کند. دیدن آدم‌های

خاص باید از آرزوی‌های ما باشد. رفتن به اروپا و هند و آفریقا و ... را، رد نکنید! بروید برای دیدن آدم‌های خاص. اینگونه دید انسان، وسعت پیدا می‌کند. «سیروا فی الارض» برای دیدن چنین افرادی بسیار شکوهمند است.

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

در روایات گفته‌اند نوعاً ائمه اثنی عشری هستند. این درست است اما ظاهر آیه در مورد حضرت موسی (علیه السلام) است و این نشان می‌دهد که در آن زمان یک‌سری افراد سطح بالایی هم بودند. هدایت به امر داشته‌اند و از سوی حضرت موسی (علیه السلام) و هارون حتماً اذن داشته‌اند. از مهم‌ترین جلوه‌های خدا، اشخاصی هستند که به دلیل صبر و استقامتی که کرده‌اند، هدایت به امر دارند. اینان اهل یقین هستند.

خداوند انسان‌ها را به ملاقات ائمه «یهدون بامرنا» دعوت می‌کند. به هر حال در برزخ و قیامت و دنیا، لقاء با حقیقت اتفاق می‌افتد و اگر انسان به دنبال دیدن چنین افرادی باشد، برایش این اتفاق می‌افتد.

کسانی که «یهدون بامر» دارند، قدرت تسخیر دارند. هدایت به امر غیر از هدایت معمولی است. این افراد قدرت استحاله انسان را دارند.

انسان باید خود را از قبل آماده دیدار چنین افرادی کند. شاید یک ملاقات یک ساعتی با آنها برای انسان کافی باشد اما انسان باید حتماً از قبل خود را برای این موضوع آماده کند.

یک وقت می‌گویید چنین افرادی بوده‌اند و تمام شده‌اند و یک وقت می‌گویید هستند. حالا بودنشان برای من چه فایده‌ای دارد؟ به پیامبر می‌گوید که من بفهمم «فَلَا تَكُنْ فِي مَرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ» که من این‌ها را جایی می‌بینم. من دنبال چنین آدمی هستم و می‌خواهم او را ببینم. اینکه این‌ها را در دنیا ببینی، خیلی فرق دارد. باید قلب را از قبل شخم زده باشی تا در تو تحول ایجاد کند.

وقتی فرد خودش را سجده‌وار ببیند و چنین آروزی در دلش باشد، خودش شبیه آنها می‌شود. از طریق آرزو این قلب شروع می‌کند به سوراخ شدن. ما تا آدم خوب نبینیم، خوب نمی‌شویم. ما خیلی جاها رفته‌ایم. با دیدن آدم‌های خوب، خوبی‌ها جلوه می‌کند و خصوصیات بروز می‌یابد. دیدن این افراد را در دستور کار خودتان بگذارید.

انسان دنیا دیده در هدایت خودش و فرزندانش می تواند موثر باشد. و اینگونه انسان با مردم ارتباط می گیرد و از آنها فاصله نمی گیرد.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات